Journal of Spiritual Health

2025, Volume 4, Issue 1
Pages: 589-597
10.30491/JSH.4.1.589

The Role of Sin in the Development of Diseases

Seyyed Mohammad Hassan Vahidi [1,2*]

[1] *Department of Biochemistry, Faculty of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran*
[2] *Department of Feqh and Osul, School of Feqh and Osul, JAMEA-al-Mostafa University, Qom, Iran*

Abstract

Genes, the smallest chemical units containing countless hereditary information, are affected by various factors in all cells that change their functions. In addition to the body, the soul is also affected by genetic changes. Some verses and narrations refer to inheritance and discuss the transmission of traits to future generations, expressing both the voluntary and involuntary aspects of this transmission. Some also identify the tasks that are essential for the proper functioning of genes. Sins also impact the body and soul, influencing human genetics and are considered a factor in the development of diseases. This research used verses of the Quran and hadiths and examined various books, magazines, scientific articles, and reputable websites to explore sin and its adverse consequences, genetics, inheritance, and the impact of sin on life. The study also aimed to understand the relationship between sin and mental and psychological illnesses, as well as their inheritance. After examining and analyzing some materials, the following results were obtained: 1. Sin can affect the natural processes of the body's functions; 2. Changes occur in the soul when the body's functions are disrupted; 3. Emotional symptoms and spiritual states can affect the body's humors; 4. Sin not only has an afterlife punishment but also manifests its consequences in worldly life; 5. Sin affects the body after it has affected the soul and psyche; 6. Sin may have social consequences along with individual effects; 7. According to narrations, some sins can affect future generations. From the perspective of verses and traditions, sin can destroy worldly and hereafter life, and some sins have the ability to cause disease. According to genetic rules, some diseases can be inherited, and mental illnesses conform to this rule. However, whether mental illness can be inherited or not requires further investigation. Although this conclusion can be drawn from verses and narrations, academic science has not reached this conclusion at this time.

Keywords: Gene, Inheritance, Sin, Disease, Islam.

*Corresponding author: **Seyyed Mohammad Hassan Vahidi,** Email: smhv1353@gmail.com

Received: 26 October 2024 **Accepted:** 5 June 2025

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-10-13]

[DOI: 10.30491/JSH.4.1.589]

مجله سلامت معنوی
دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴
صفحات: ۵۹۷-۵۸۹
10.30491/JSH.4.1.589

نقش گناه در ایجاد بیماری‌ها

سید محمد حسن وحیدی[۱،۲]*

[۱] گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
[۲] گروه فقه و اصول، مدرسه عالی فقه و اصول (مدرسه حجتیه)، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

چکیده

ژن‌ها کوچک‌ترین واحد شیمیایی حاوی اطلاعات وراثتی بی‌شمار، در تمام سلول‌های بدن، تحت تاثیر عوامل مختلف قرار گرفته و عملکرد آن‌ها تغییر می‌یابد و علاوه بر جسم، روان نیز متاثر از تغییرات ژنتیکی می‌گردد. بعضی از آیات و روایات به توارث اشاره نموده، انتقال صفات به نسل‌های بعد را مطرح، جنبه‌های ارادی و غیرارادی انتقال صفات به نسل‌های بعد را بیان می‌نمایند. برخی نیز وظایفی را تعیین می‌کنند که در فعالیت مناسب ژن موثر است. گناهان نیز بر جسم و روان موثر بوده، می‌توانند بر ژنتیک انسانی تاثیرگذارده، عاملی در پیدایش بیماری‌ها به حساب آیند. این پژوهش با مراجعه به آیات قرآن و روایات و استفاده از کتب، مجلات و مقالات علمی و سایت‌های معتبر، پیرامون گناه و نتایج سوء آن، ژنتیک و توارث، سعی در شناخت چگونگی تاثیر گناه در زندگی و ارتباط بین گناه و بیماری‌های روانی و توارث آن‌ها دارد و با بررسی و فیش‌برداری مطالب، نتایجی همچون؛ ۱. گناه می‌تواند بر روند طبیعی عملکرد بدن تاثیرگذار باشد؛ ۲. هرگونه اختلال در عملکرد سیستم بدن، روان را دگرگون می‌کند؛ ۳. اعراض نفسانی و حالات روحانی بر اخلاط بدن موثر است؛ ۴. گناه فقط عقوبت اخروی نداشته، عواقب آن در زندگی دنیوی نیز ظاهر می‌شود؛ ۵. به موازات تاثیر گناه بر روان، جسم نیز متاثر از آن می‌گردد؛ ۶. گناه علاوه بر اثرات فردی، پیامدهای اجتماعی نیز دارد؛ ۷. بر اساس روایات، برخی از گناهان، جدای از حرمت و معصیت می‌تواند بر نسل‌های آینده اثرگذار باشند. از دیدگاه آیات و روایات، گناه عاملی برای زوال حیات دنیوی و اخروی است و برخی از گناهان قابلیت ایجاد بیماری را دارند. طبق قواعد ژنتیک برخی از بیماری‌ها می‌توانند موروثی شوند و امراض روانی نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ اما اینکه بیماری روحی منتج از گناه، می‌تواند موروثی گردد، بررسی بیشتری را می‌طلبد. گرچه از مفاهیم بعضی از آیات و روایات و اثرات مخرب برخی از گناهان اجتماعی، این مطلب، قابل نتیجه‌گیری است، اما در دستاوردهای علمی امروزی، نتایج قابل توجهی مشاهده نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها: ژن، توارث، گناه، بیماری، اسلام.

*نویسنده مسئول: **سید محمد حسن وحیدی.** پست الکترونیک: smhv1353@gmail.com
دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-10-13]
[DOI: 10.30491/JSH.4.1.589]

مقدمه

دین همچون موتور محرکه، نه تنها در بعد معنوی، بلکه در زندگی مادی موثر است، چرا که والاترین هدف بعثت پیامبر، ارتقای بعد معنوی و رشد سطح اخلاقی جامعه که ضامن رضایت‌مندی از زندگی مادی است، می‌باشد (۱). گناه به عنوان یکی از منهیات دینی، می‌تواند منشاء بسیاری از انحرافات باشد.

«ژن» کوچکترین واحد دربرگیرنده اطلاعات قابل توارث، بر روی کروموزوم‌های سلول، وظیفه انتقال صفات از والدین به نسل‌های آینده را دارد (۲). قرن‌ها قبل نیز برخی روایات، فعالیت ژنتیکی را بیان کرده که در قرون اخیر توسط دانشمندان اثبات شده، اثرات ژن در جسم، روان و انتقال بیماری‌ها را روشن می‌سازد. سوال اساسی این است که آیا گناهی که باعث ایجاد بیماری شود، می‌تواند بر ژنتیک انسان نیز تاثیر گذارده، آن‌را به نسل‌های آینده منتقل نماید؟ تحقیقات زیادی در ارتباط گناه و بیماری‌ها صورت گرفته است، بطوریکه بصیری و همکاران به ازدواج فامیلی به عنوان کراهت دینی نگاه کرده، معتقدند می‌تواند در بروز برخی ناهنجاری‌های ژنتیکی موثر باشد (۳). شفیعی مازندرانی به اثر گناه در ایجاد بعضی از بیماری‌ها نظیر جنون، جذام، عقب‌افتادگی ذهنی اشاره می‌نماید (۴). ملک‌زاده و همکاران به بیان اثرات ژنتیکی مشروبات الکلی پرداخته (۵) و آرامی و همکاران تاثیرات شگرف رعایت طهارت بر روح و جسم را بیان می‌نماید و ثابت می‌کند که طهارت جسم اثر مستقیم بر طراوت روح داشته، تاثیرپذیری روح از طهارت جسم و اثرات آن، خصوصا در ازدواج، همبستری و انتقال حالات، به نطفه را مسلم می‌داند (۶). گلی و همکاران نیز به این نتیجه می‌رسند که صفای باطن و نورانیت دل باعث آرامش روحی و رهایی از اضطراب بوده، از شاخصه‌های تاثیرگذار بر روان می‌باشد (۷)؛ بعلاوه شیرافکن در مقاله «میزان تاثیر وراثت و ژنتیک در تربیت» به این نتیجه می‌رسد که تربیت صحیح اخلاقی بر ژنتیک اثرگذارده، در روند تربیت فرزند موثر بوده، محیط و وراثت علت ناقصه، تربیت هستند (۸)؛ مضافا بر اینکه مقاله «تاثیر مشاوره معنوی بر افسردگی، اضطراب و استرس در زنان باردار» بیان می‌کند که معنویت، اثرات مثبتی بر جلوگیری از افسردگی و اضطراب، که زمینه‌ساز اختلالات درونی و روانی می‌شود، دارد (۹).

از سوی دیگر تحقیقات پیرامون بیماری‌های روانی مانند برخی بیماری‌های جسمی، نشان از تغییرات ژنتیکی داشته، مقالاتی همچون بررسی علل ژنتیکی عقب‌افتادگی‌ذهنی (۱۰)؛ ریشه‌های ژنتیکی بیماری‌های روانی (۱۱)؛ و اختلال پلی مورفیسم taqI ژن DRD2 در ایجاد اختلال کم‌توجهی بیش‌فعالی کودکان و مقالاتی که وراثت، آسیب اجتماعی و عوامل زیست محیطی را علل بیماری‌های روانی اعلام می‌دارند (۱۲)؛ معتقدند که بیماری‌های روانی علاوه بر تغییرات ژنتیکی، همپوشانی ژنی نیز داشته، با ایجاد یک نوع تغییر در چند بیماری؛ به نحوی از عملکرد منفی اعمال و رفتار آدمی منتج است.

به هر حال تمام این مقالات تلویحا به بیان اثرات منفی سرپیچی‌ها و معاصی در زندگی، ایجاد اختلالات روانی و برخی بیماری‌های جسمی مرتبط به گناهان، اشاره دارد؛ اما هیچ کدام به ارتباط گناه، بیماری و تغییرات وراثتی و ژنتیکی، اشاره ندارد؛ که هدف اصلی این تحقیق یافتن ارتباط فیما بین گناه به عنوان منهی‌عنه تمامی ادیان و ایجاد بیماری، و تاثیر در تغییرات ژنتیکی است تا با تکیه بر دستورات دینی، از ارتکاب معاصی اجتناب نموده، خود را دست‌خوش عواقب دنیوی و اخروی معصیت، که گاه منتج به تغییرات ژنتیکی می‌شود، قرار ندهیم؛ با این فرض که گناه می‌تواند عامل ایجاد برخی از بیماری‌ها بوده، بر ژنتیک تاثیر گذارده و قابل توارث بر نسل‌های آینده باشد.

روش

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوی، همراه با فیش‌برداری و جمع‌بندی مطالب از مقالات دانشمندان، برخی از کتب روانشناسی بالینی و پزشکی و استفاده از ۳۰ آیه قرآن‌کریم و ۲۰ روایت از فرمایشات معصومین(ع)، در قلمرو جوامع انسانی و اسلامی صورت گرفته است.

نتایج

تاثیر گناه در ایجاد بیماری‌های جسمی و روانی

یکی از مشکلات بشر غفلت از عوالم معنوی بوده، و به دلیل عدم آگاهی کافی، ایمان و اعتقادات مذهبی، به راحتی درگیر هوس‌های دنیوی شده، بی هیچ هراسی مرتکب گناه می‌شوند؛ غافل از آنکه با ارتکاب گناه، آسیبی بر روان خود وارد آورده، صدمات جبران ناپذیری بوجود می‌آید و می‌تواند بی‌واسطه و گاه با واسطه بر روند طبیعی عملکرد بدن تاثیرگذار باشد. دروغ، تهمت، غیبت، حق‌الناس و ... گناهانی هستند که تدریجا به امری عادی تبدیل شده، در ایجاد فساد و به دنبال آن تغییر در سیستم طبیعی بدن، به طور ضمنی، موثرند (۱۳).

ساختار وجود آدمی متشکل از دو بخش اخلاط و عناصر تشکیل دهنده بدن (جسم) و روان است (۱۴). طب فیزیکی با بهره‌گیری از اخلاط چهارگانه به مداوای امراض می‌پردازد. از سویی روح به عنوان جزء اصلی ادراک و احساسات انسانی، هرگونه اختلال در عملکرد سیستم بدن را درک می‌کند و متعاقبا اگر مشکلی در روند صحیح فعالیت‌های روانی ظاهر شود؛ بر فعالیت‌های صحیح اعضاء و جوارح بدن اثر می‌گذارد، چرا که بین جسم و روح رابطه تنگاتنگ وجود دارد (۱۵).

بیماریزایی اعراض نفسانی و مشکلات روانی

خشم و غضب، استرس و هیجان، بشاشت و خوشحالی و ...، بخشی از حالات روانی است که بر فعالیت‌های طبیعی بدن تاثیر دارد. هرگونه اختلال در ساختار روان انسان و شخصیت وی، بر

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-10-13]

[DOI: 10.30491/JSH.4.1.589]

روی اخلاط چهارگانه تاثیر می‌گذارد(۱۶)؛ بطوریکه «مهمترین عامل موثر بر اخلاط و عملکرد بدن، اعراض نفسانی یا حالات روانی است. مثلا عصبانی شدن باعث گُرگرفتن سریع بدن شده، لرزش و رعشه ایجاد می‌گردد و تمام ساختار بدن در چند لحظه دگرگون می‌شود، حال اگر روان، متعادل باشد، سخت‌ترین مشکلات را تحمل نموده، خم به ابرو نمی‌آورد» (۱۷). همچنین مجموعه پاسخ‌هایی که در مقابله با تنش‌ها، اضطراب و نگرانی‌های ناشی از غم و غصه افزایش می‌یابد؛ سیستم عصبی سمپاتیک را تحریک کرده (۱۸)، سودا افزایش یافته، زیر چشم‌ها کبود گردیده، ممکن است سوزش معده و یبوست بوجود آید و اصطلاحا فرد دچار غلبه سودا می‌گردد (۱۹).

اثرات منفی گناه

فعالیت فیزیولوژیکی انسان‌ها همچون؛ خوردن، خوابیدن، قواعد جسمی، ارتباط جنسی و ... به گونه‌ای است که تعادل اندام‌ها حفظ گردد. اما اگر حداقل، عمل یک اندام غیرمتعادل گردد و رفتار جسمی از چارچوب تعادل بیرون رود، وظایف بدن به درستی انجام نگرفته، جسم به قهقراء می‌رود. از سوی دیگر اوامر الهی، می‌تواند بر انسان تاثیرگذار باشد؛ و اگر به دستورات پشت‌پا بزنیم و به تعبیری گناه کنیم، باید منتظر بازخورد و عواقب آن در جسم و روان باشیم (بقره/۸۱).

آنچه که به تجربه اثبات شده و از منظر آیات و روایات به دست می‌آید، این است که گناه تنها عقوبت اخروی نداشته، بلکه عواقب آن در زندگی دنیوی نیز ظاهر می‌شود (شورا/۳۰). لذا گناه می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت انسانی موثر باشد؛ و خروج از قواعد صحیح اعتقادی بر جسم و شرایط فیزیکی و روحانی بدن تاثیر گذارد که پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «هر گناه، نقطه سیاهی بر روی قلب فرد ایجاد می‌کند تا اینکه سیاهی‌ها، تمام قلب را فرا می‌گیرد» (۲۰). درست است که این مطلب بیانگر نقش معنوی گناه بر قلب انسان است، اما خروج، از چهارچوب صحیح زندگی بوده، اثر آن نیز در زندگی مادی ظاهر می‌شود. بدین گونه که با اثرات معنوی گناه بر قلب و روح، تدریجا قساوت قلب ظاهر گردیده، این صفت با ظلم و طغیان بیشتری در جامعه نمود پیدا می‌کند (۲۱). به هر حال گناه، آدمی را از مسیر اصلی حیات؛ دور می‌سازد. از این رو امام صادق(ع) می‌فرمایند: «تأثیر کار بد (گناه)، از تاثیر کارد بر گوشت، سریع‌تر است» (۲۲)، به این معنا که عملِ سوء، همانند چاقوی بُرنده، روح آدمی را زخمی می‌نماید.

پیامدهای فردی گناه

به تجربه اثبات شده است که اعتقاد به دین در احساس آرامش و امنیت خاطر موثر است، به گونه‌ای که بیماران معتقد به دین، با توکل بر خدا، تحمل رنج بیماری بر آنان آسان‌تر شده، بهبودی، سریع‌تر به دست می‌آید (۲۳،۲۴)؛ همانطور که خداوند می‌فرماید: «هر کس از من غافل شود زندگی سختی در پیش‌رو دارد»؛ چون معصیت، احساس امنیت را از بین برده، اضطراب و دلهره را به ارمغان می‌آورد که زمینه‌ساز بسیاری از بیماری‌هاست (۲۳) و با توجه به بیان قرآن که می‌فرماید: «کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام دادند، ... نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمگین می‌شوند» (بقره/۲۷۷)؛ نقش گناه در ایجاد اضطراب و دلهره غیر قابل انکار است. از آنجایی که اضطراب، حالتی هیجانی بوده و هر هیجان مستلزم اثرات روانی و جسمانی است، بهم‌ریختگی وضعیت عضلات، اختلالات حرکتی، لرزش بدن، عدم کنترل و تعادل در راه رفتن و پیدایش تپش قلب، از عوارض اختلالات هیجانی بوده، زمینه‌ساز بیماری‌های روحی می‌گردد (۲۵). تحقیقات نشان می‌دهد که غصه و اضطراب از مهمترین عوامل ایجاد سرطان، بیماری‌های عفونی، روماتیسمی و تضعیف سیستم ایمنی می‌باشد (۲۶)؛ و طبق نظر طب سنتی، اضطراب، استرس و ترس در سودای فرد موثر بوده، صفرا بهم می‌ریزد، بلغم و دم تخریب شده، اختلال اخلاطی بوجود آورده و پایه‌ریز بیماری‌ها می‌گردد (۲۷). امام صادق(ع) می‌فرماید: قلب حرم الله و مرکز ادراکات انسانی و احساسی است و کانون بروز اعمال نیک است؛ و باید همیشه پاک و سالم نگاه داشته شده، غیر خدا در آن راه نیابد (۲۸)؛ چرا که می‌تواند تحت تاثیر روانی معصیت، دگرگون شده، تراکم گناه باعث عدم نفوذ کلام حق در قلب شود. قلبی که؛ «تاب و توان نزول قرآن را داشت و متلاشی نگردید» (حشر/۲۲) و آیات الهی را درک کرد؛ بر اثر تجمع گناه، به حدی متحول می‌شود که قرآن در آن نفوذ ننموده، صدای حق را نمی‌شنود که؛ «...در اثر معصیت و اعمال ناپسند دل‌ها زنگار بسته، از مسیر صحیح خارج می‌شوند» (مطففین/۱۴). امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «... تداوم گناه، سفیدی قلب را پوشانده، تا ابد صاحبش به سوی خیر برنمی‌گردد (۲۹)، و طراوت روح لطیف انسانی از بین می‌رود (۳۰). رذایل اخلاقی همچون طمع، حرص، حسد، غفلت، شهوت‌پرستی، دروغگویی، سوءظن، غضب، که به نوعی بیماری روانی- معنوی محسوب می‌شوند، نه تنها بر قلب آدمی، بلکه در زندگی مادی، اثرات سوئی وارد می‌کنند. حسد باعث حبس روح شده، حسود راحتی نداشته، دائماً بیمار است و طبق فرمایش امیرالمومنین: «فرد حسود هر چند به ظاهر تندرست، همیشه مریض است» (۳۱). غضب، باعث عدم کنترل شده، پرده‌ها دریده می‌شود، احترامات از بین رفته، عیوب انسانی آشکار شده، آبرو می‌رود. سوء ظن نیز باعث عدم اعتماد و از هم پاشیدگی خانواده می‌شود، که عواقب تأسفباری را به همراه دارد (۳۲).

دستورات دینی پیرامون بهداشت نیز نشان از توجه اسلام به سلامتی دارد (۲۳). رعایت طهارت و نظافت و پرهیز از نجاست، از اهم واجبات دینی، نه تنها در قبولی عبادات لازم است، بلکه ضامن تندرستی روانی و جسمی می‌باشد. داشتن بهره هوشی بالا و تقویت استعداد فردی بی ارتباط با رعایت دستورات بهداشتی نبوده، فرمایش امام صادق(ع) مبنی بر اینکه یکی از عوامل افزایش حافظه، مسواک زدن است، بدین معناست که رعایت اصول بهداشت فردی می‌تواند بر هوش و استعداد اثرگذار باشد (۳۳). قرآن

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-10-13]

[DOI: 10.30491/JSH.4.1.589]

با بیش از ۲۵۰ آیه در مورد تغذیه، نگاهی ویژه به نوع غذا، نجاست و طهارت و حلیت و حرمت آن، و تاکید فراوان بر تاثیر مستقیم آن در روان و جسم داشته، غفلت یا اهتمام به آن سبب پیشرفت یا پسرفت می‌گردد. قرآن می‌فرماید: «هر آنچه حلال است (پاک و طاهر) را استفاده کنید و از نجاسات و آلودگی‌ها دوری نمایید (اعراف/۱۵۸). ایجاد داءالفیل و درد مفاصل و تاثیر بر زوال عقل و غیرت (۳۴)؛ ایجاد عوارض قلبی–ریوی–چشمی با رشد تریشین در عضلات خوک (۳۵)؛ از دلایل حرمت خوردن گوشت خوک در آیه ۱۴۵ سوره انعام و آیه ۳ سوره مائده است. حرمت خوردن گوشت سگ به جهت احتمال بروز هاری است (۳۶). حرمت شراب‌خواری (بقره/۲۱۹)، به دلیل تاثیر بر اعصاب و روان، بروز رعشه، ضعف قلب و اختلال در فعالیت‌های عادی، نشان از دقت نظر دین در قبال سلامتی و بالطبع تاثیر رعایت حلیت و حرمت و طهارت و نجاست دارد. لذا برای اینکه فرزندانی فهیم و عاقل و انسان‌هایی سالم و تندرست داشته باشیم، باید در لقمه‌ایی که به فرزندان‌مان می‌دهیم، دقت کرده، از خوردن حرام و شبهه‌ناک پرهیز نمائیم (۷). بیماری ایدز با پیش زمینه اختلاط غیردینی، گذشته از اثرات سوء معنوی گناه، زندگی مادی فرد را متلاشی ساخته، نشان‌دهنده قوه قاهره الهی و مجازات دنیوی گناهانی همچون همجنس‌بازی، لواط و زنا است، بطوریکه امام کاظم(ع) می‌فرماید: «هر زمان که مرتکب گناهانی تازه شوید، خداوند نیز شما را مبتلا به بلایی تازه‌تر می‌سازد» (۳۷). بیماری‌های مقاربتی و جنسی از اهم بیماری‌هایی است که از دریچه گناه و اختلاطات نامشروع بوجود آمده و هر چه گناه مدرن‌تر، عواقب سوء گناه نیز پیشرفته‌تر است.

پیامدهای اجتماعی گناهان

گاهی گناه علاوه بر اثرات فردی، اجتماع را درگیر می‌کند (۳۸). خداوند متعال به پیامدهای دنیوی گناهان امّت‌های پیشین اشاره نموده، می‌فرماید: «بر ستمگران به خاطر نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم» (بقره/۵۹)؛ و نیز می‌فرماید: «اثرات سوء فساد در خشکی و تری زمین به خاطر اعمال مردم است، تا خدا بعضی از آنچه را که انجام داده‌اند، به ایشان بچشاند تا شاید برگردند» (روم/۴۱).

در جای دیگری به رباخواری و مقایسه آن با صدقه می‌پردازد و می‌فرماید: «خدا ربا را کاهش و صدقات را افزون می‌کند و او هیچ کفران‌پیشه گناهکاری را دوست نمی‌دارد» (بقره/۲۷۶)، لذا اثر صدقات نمو و فزونی و رباء، کاهش و کاستی است، چرا که صدقه موجب جلب محبت و جذب قلوب نسبت به یکدیگر و افزایش احساس آرامش درونی جامعه شده، ربا، گذشته از کسب نامشروع و اثرات منفی ارتزاق حرام در نسل‌های بعدی رباخوار، باعث نقصان پی‌درپی اموال و کاهش حس اعتماد و گسترش ناامنی اقتصادی می‌گردد؛ اثرات اجتماعی ربا به صورت فزونی قساوت قلب، بغض و کینه، فقر و عدم توازن اقتصادی افراد جامعه، اختلاس و دزدی نمود می‌یابد.

قمار و شرطبندی نیز از گناهان هولناکی است که اساس اقتصاد جامعه و فرد را به خطر انداخته و با گسترش تکنولوژی و فضای مجازی و سایت‌های شرطبندی، باعث ایجاد تفکرات مخرب، خصوصا در بین جوانان شده، توان و نیروی آنان را از مسیر توسعه اقتصادی پویا و کارآمد منحرف می‌کند و با وجود حرمت اشتغال و ارتزاق از این مسیر (بقره/۲۱۹ و مائده/۹۷) خانواده و جامعه را دچار مشکلات عظیمی می‌نماید.

بی‌توجهی به دستور فردی– اجتماعی حجاب، علاوه بر جنبه معنوی گناه، زنان، در اجتماع مورد حمله نگاه‌ها و حرف‌های نامربوط شده؛ این گناه به تدریج امری عادی می‌گردد و قبح آن از بین می‌رود. بنابراین بعد از مدتی، یک گناه و ناهنجاری دینی–اجتماعی، به عنوان یک فرهنگ، مورد قبول واقع می‌شود و با توجه به اینکه جامعه به مثابه یک فرد می‌باشد، انحراف هر کدام از اعضای آن، به انحطاط تمامی اعضاء منجر شده، همانطور که یک فرد در اثر گناه مجازات می‌گردد، جامعه نیز متاثر از مجازات آن می‌باشد. چنانچه خداوند می‌فرماید: «بگذار تا بخورند و برخوردار شوند و اعمالشان آنان را سرگرم کنند، بزودی خواهند دانست و ما هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر در زمان معینی» (حجرات/۳،۴)؛ «و ما هیچ جامعه‌ای را دگرگون نساختیم مگر اینکه افراد آن جامعه با اعمال‌شان دست‌خوش تغییر شده بودند» (رعد/۱۱). لذا گناه افراد جامعه به مرور دامن اجتماع را گرفته، اثرات زیانبار آن نمایان می‌شود؛ همچنانکه حسادت و کینه‌توزی، تفوق طلبی، نژادپرستی و خودخواهی زمینه بسیاری از جنگ‌ها بوده، ارضاء تمایلات نفسانی فرد و یا گروهی اندک، عطش کشتار، قتل و غارت، قطعا بیماری روانی محسوب می‌شود که ریشه در گذشته ناهمگون عاملان جنگ داشته و متأسفانه جامعه بشری را درگیر اثرات زیانبار خود می‌کند.

آیا گناهان دامن نسل را می‌گیرند؟

بر اساس روایات، برخی از گناهان بر نسل آدمی اثر گذارده، عواقب گناه دامن‌گیر آنان است. اینکه اینگونه وراثت با عدالت خداوندی منافات داشته یا ندارد، خارج از بحث ماست؛ اما اثرات وضعی گناه، جدای از مسئله حرمت معصیت می‌تواند بر نسل انسان اثر گذار بوده، همسو با عوامل طبیعی موثر واقع شود.

در فرازی از زیارت وارث می‌خوانیم «اشهد انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخه و الارحام المطهره»؛ شهادت به انسان‌های متعالی می‌دهم که از صلب نیاکان عالی‌مقام و ارحام مادران پاک و مطهر متولد شده‌اند، بدین معنا که انسان‌های رذل و بی ارزش جامعه نیز از ارحام غیرمطهر به دنیا می‌آیند و صفات رذیله همچون صفات حسنه به توارث گذارده می‌شوند (۳۹). حضرت زکریا خطاب به خداوند فرمود: «انی خفت الموالی من ورائی...»؛ من از آینده خود بیمناکم و فرزندی می‌خواهم که «یرثنی و یرث من آل یعقوب و جعله رضیا»؛ که وارث صفات حسنه‌ای باشد که تو راضی به آن هستی (مریم/۵،۶). علی(ع) در توصیه به دقت در همسریابی می‌فرماید: «ایاک و التزوج الحمقاء، فان صحبتها بلاء و ولدها ضیاع»؛ از انتخاب همسر احمق خودداری کنید که فرزندان خوبی نصیب شما

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-10-13]

[DOI: 10.30491/JSH.4.1.589]

نمی‌شود و صفت حماقت قابل انتقال به فرزندان است (۴۰). حضرت در بیان دیگری توارث شرافت و بزرگواری در نسل‌های آینده را بیان نموده و می‌فرماید: «اذا کرم اصل الرجل کرم مغیبه و محضره» (۴۱). لذا هنگامی که شرافت و بزرگی به ارث می‌رسد، صفات رذیله حاصله از گناهان نیز امکان توارث را دارند؛ همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «و لایلدوا الا فاجرا کفارا»؛ از پدر و مادری فاجر، جز فرزندی کافر به دنیا نمی‌آید (نوح/۲۹) که نه تنها صفات رذیله قابل توارث است، بلکه اعتقادات نیز به ارث می‌رسند.

از دلایل حرمت ازدواج با محارم، بروز اختلالات شدید ژنتیکی همچون تی‌ساکس، فنیل کتونوری (PKU)، آشفتگی‌های رفتاری، عقب افتادگی ذهنی و ... بیان شده است که قطعا این بیماری‌ها در نسل‌های آینده موروثی می‌شوند. خداوند می‌فرماید: «کسانی که از آینده فرزندان خود می‌ترسند، باید از ستم بر یتیمان مردم بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند (نساء/۹)؛ بدین معنا که اثرات وضعی گناه بر روی فرزندان موثر است. با توجه به این آیه، گناه، اثرات وضعی بر زندگی شخص گناهکار، بلکه اطرافیان او دارد. گناهانی همچون ظلم و ستم پدر، لقمه حرام، تولد نامشروع و ... علاوه بر تاثیرات وضعی، می‌توانند علتی برای ورود در باطلاق معصیت باشند (۴۲). لقمه حرام سم مهلکی است که اثر ویران کننده‌ای دارد که گاه فرصت جبران مافات را نمی‌دهد (۷)؛ در مقابل، والدین با ایمان، به نعمت پدران و نیاکانشان متنعم شده و اثرات مثبت اعمال و رفتار نیک آن‌ها بر زندگیشان جاری است (۴۳). از طرفی تقوا عاملی برای پیشرفت علمی و فکری، ثمرات شگفت‌انگیزی دارد. خداوند می‌فرماید: «تقوا پیشه کنید و خدا به شما تعلیم می‌دهد» (بقره/۲۸۲)، بدین معنا که پرهیزگاری، اثر عمیقی در آگاهی و افزایش هوش و ذکاوت و علم و دانش دارد. چرا که قسمتی از علوم از طریق آموزش، آموخته شده؛ بخشی، از طریق فطرت صیقل‌خورده به نور تقوی، حاصل می‌گردد و این، همان نوری است که خداوند در دل هر کس که لایق ببیند، می‌افکند (۴۴). در مقابل کودکانی که در خانواده بی‌تقوا و محیطی آلوده پرورش می‌یابند، به فساد خو می‌گیرند و پس از گذشت ایام نوجوانی، در تشخیص خوبی از بدی با مشکل مواجه شده؛ خوردنی‌های نجس و حرام استفاده می‌کنند، شاید گرفتار مواد مخدر گردیده، ضریب هوشی و قدرت فکری- علمی آنان کاهش می‌یابد (۴۵). چنانچه رسول‌خدا(ص) می‌فرماید: «با هوس‌های نفسانی مبارزه کنید تا حکمت در دل شما وارد شود»؛ و «اگر شیاطین اطراف قلوب بنی‌آدم حرکت نمی‌کردند، آن‌ها به ملکوت راه می‌یافتند و آسمان‌ها را مشاهده می‌نمودند» (۴۶). لذا تقوا و پاکی به طور غیرمستقیم در یادگیری و تقویت فکری و عقلی و شکل‌گیری نسلی موفق، موثر است. خداوند در آیه ۲۸ سوره زخرف می‌فرماید: «و خدا، خداپرستی را در همه نسل‌های او تا قیامت باقی گردانید، باشد که (همه فرزندانش به خدا) رجوع کنند». بدین معنا که یکتاپرستی به عنوان صفت انسانی می‌تواند به نسل بعد منتقل شده و آیندگان نیز خداپرست گردند. همچنین در آیه ۲۱ سوره طور می‌فرماید: « ... و کسانی که ایمان آوردند و ذریه ایشان نیز از آن‌ها پیروی کردند، ما ذریه آن‌ها را نیز ملحق به ایشان می‌کنیم و چیزی از پاداش آن‌ها نمی‌کاهیم، چون هر فردی در گرو عمل خود می‌باشد»؛ تمام این موارد نشان می‌دهد که صفات حسنه (به مدد خداوند) در نسل‌های آینده قابل رویت است. بعلاوه بعضی از دستورات دینی، در قالب کراهت، بیانگر منشاء بروز اختلالات جبران‌ناپذیر است. امام رضا(ع) در توصیه‌های بهداشتی که بعدها «رساله ذهبیه» نام گرفت، در مورد کراهت مجامعت پی‌درپی بدون اینکه غسلی در بین آن‌ها فاصله شود، می‌فرمایند: «این کار میراثی جزء کم عقلی، دیوانگی و جنون برای فرزندی که از این مجامعت حاصل می‌شود، ندارد» که در میان بیماری‌های توارثی؛ انتقال جنون و اختلالات عصبی به نسل آینده مسلم است، بطوریکه لازم نیست پدر، دیوانه رسمی و دائمی باشد؛ بلکه جنون موقت او هنگام آمیزش، بر طفل اثر داشته و هر اندازه که جنون شدیدتر باشد، طفل دیوانه‌تر و اختلالات عصبی بیشتر است (۴۷). در جنگ جمل ترس و وحشت بر محمد حنفیه عارض شد و به جای او امام حسن(ع) وارد میدان شد و علی(ع) خطاب به محمد حنفیه فرمود: «تو ترس را از خانواده مادریت به ارث برده‌ای» (۴۸). بنابراین با استفاده از آیات و روایات، انتقال صفات نیک و بد به آیندگان قابل پیش‌بینی است.

حال اگر از محتوای این آیات و روایات الغای خصوصیت نماییم، نتیجه می‌گیریم که نه تنها صفات نیکوی انسانی، بلکه رذایل نیز به سبب گناه و سرپیچی از فرمان الهی بر نسل آدمی موثر بوده، به ارث می‌رسند. نکته مهم این است که انتقال این خصوصیات اگر چه در مراحل ابتدایی، ارتباط چندانی با ژنتیک و توارث ندارد، اما ایجاد رذایل و فضایل به مدد توجه یا بی‌توجهی به اخلاقیات و تعالیم دینی، در سرشت انسان جا گرفته، نهایتا، قابلیت توارث پیدا نموده، منتقل می‌گردد (۴۹). امروزه اگر در دادسراها با پرونده‌های قتل، دزدی و ... برخورد کنیم؛ می‌بینیم که پدر و مادر درکنار محیط و دوست، نقش مهمی در ارتکاب جرم داشته، فضای نامطلوب ایجاد شده در خانواده، تاثیر گذارترین گزینه در انحراف در فرزندان می‌باشد، بعلاوه اینکه، توارث ژنتیکی از والدین به فرزندان، نیز اثبات شده است (۵۰).

وراثت در بیماری‌های روانی و روانی

اگرچه بیماری و اختلالات روانی تعریف ثابتی ندارند و ملاک چنین بیماری‌هایی مختلفند؛ اما به طور کلی این اختلالات، رفتارهای نابهنجاری هستند که از مسیر طبیعی خارج شده، همراه با ناتوانی‌های جسمی بخصوصی ظاهر می‌شوند (۵۱).

علت بیماری‌های روانی به خوبی شناخته شده نیست، ولی آنچه مسلم است اینکه عوامل ژنتیک، استرس و نوع تعامل فرد با دیگران در ایجاد آن‌ها مؤثر می‌باشد. افسردگی، اضطراب، وسواس، اختلال دوقطبی، اسکیزوفرنی از جمله این اختلالاتند (۵۲). اما تفاوتی که با سایر بیماری‌ها دارند این است که، برای تشخیص آن‌ها، شیوه

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-10-13]

[DOI: 10.30491/JSH.4.1.589]

خاصی وجود ندارد، به طور مثال با تست‌های آزمایشگاهی بالینی نمی‌توان بیماری اسکیزوفرنی را تشخیص داد، بلکه تشخیص بر اساس علائم و مطابقت با معیارهای استاندارد ممکن است. بعلاوه علائم این بیماری‌ها مشابه بوده، در بسیاری از موارد هم‌پوشانی دارند (۵۳).

به هر حال هنوز ژن مستقلی به عنوان عامل انتقال‌دهنده بیماری‌های روانی شناخته نشده است، اما بر اساس مشاهدات، مشخص است که اگر پدر یا مادر به بعضی از بیماری‌های روانی مبتلا باشند، احتمال بروز آن در فرزندان چند برابر خواهد بود (۱۰). ممکن است علل مستعد کننده این بیماری از ابتدای کودکی ظهور نیافته و در دراز مدت به شکل بیماری روانی درآمده، ناگهان در فرد ظاهر شود (۵۴). در بعضی از خانواده‌ها شیوع چند بیماری روانی مشاهده می‌شود، بعضی ابتلای کمتری داشته یا اصلا دیده نمی‌شود. این امر نشانگر آن است که ژن‌ها تا حد زیادی عامل اختلالات روانی هستند؛ به این معنا که اگر کسی به یک بیماری روانی مبتلا باشد، احتمالا فرزندان او هم به آن بیماری مبتلا هستند؛ چرا که طبق قوانین احتمال، امکان ابتلای فرزندان به بیماری ژنتیکی همیشه ممکن نیست؛ اما احتمال ابتلاء، بیشتر است. حتی اگر سرپرستی کودکی که یکی از والدین وی مبتلا به بیماری روانی است را به خانواده دیگری سپرده، در خانواده جدید پرورش یابد، احتمال اینکه این کودک در آینده به آن مشکل مواجه شود، بیشتر از اعضای خانواده جدیدی است که او را به فرزندی قبول نمودند، که این امر نشان دهنده موروثی بودن آن بیماری است (۵۵). یا اگر یکی از افراد درجه یک خانواده دست به خودکشی بزند، خطر، برای افراد دیگر خانواده بالا رفته، اگر عضوی از خانواده اسکیزوفرنی داشته باشد، ابتلای سایر افراد خانواده به بیماری افزایش می‌یابد. در برادر یا خواهر مبتلا به اسکیزوفرنی، خطر ابتلا افراد خانواده حدودا دو برابر و اگر یکی از والدین مبتلا باشد، خطر ابتلا، به مراتب افزایشی است. همچنین اگر یکی از والدین افسرده باشند احتمال ابتلاء به افسردگی دو برابر می‌شود و این احتمال در مورد اختلال دو قطبی چهار برابر است (۵۶). بدین ترتیب داشتن حتی یک رابطه خونی با فرد بیمار، خطر ابتلاء را افزایش می‌دهد (۵۷). مضافا بر این موارد در اختلال عقب ماندگی ذهنی، اختلالات شخصیت، خودبیمار انگاری، اختلال بیش‌فعالی، ترس، هراس، اضطراب شواهدی بر ارثی بودن بیماری وجود دارد (۱۰). از سوی دیگر نحوه تربیت در کودکی، در ابتلا به بیماری‌های روانی، موثر است. چنانچه تحقیقات بر روی دوقلوها و تاریخچه خانوادگی آنان نشان می‌دهد، وراثت در بیماری‌های روانی نقش دارد (۵۸). پژوهش دیگری نشان می‌دهد که برخی از علائم در بیماری‌های روانی مشترکند. چنانچه انزوای اجتماعی هم در اسکیزوفرنی و هم در اوتیسم مشاهده می‌شود (۵۹). گروه دیگری با بررسی اطلاعات ژنومی بیماران، دریافتند بیماری‌های روانی بر خلاف بیماری‌های عصبی، از نظر ژنتیکی با یکدیگر مرتبطند؛ با این وجود علم پزشکی برای شناخت دلایل بیماری‌های روانی در مراحل ابتدایی است (۶۰).

نتیجه‌گیری

انسان دارای دو بعد جسم و روح است. تعادل در اندام‌های تشکیل دهنده بدن، سلامتی جسم را تضمین می‌نماید؛ اگرچه این تعادل برای سلامتی لازم است، اما کافی نیست. احساس و درک و فهم، چیزی فراتر از جسم فیزیکی می‌باشد؛ و روح، به عنوان رکن اصلی احساس و فهم، جزء مکمل سلامت انسان به حساب می‌آید و تعادل بین این دو، تندرستی را تامین می‌کند. بدین دلیل، پرهیز از هرگونه عاملی که باعث از بین رفتن این تعادل می‌باشد، لازم الاجراست. دانش پزشکی با اینکه در درمان امراض جسمی حتی– الامکان موفق ظاهر شده است، اما در بهبود بیماری‌های روانی در ابتدای راه می‌باشد.

مفاد بعضی از آیات و روایات و تجربه، نشان می‌دهد که گناه در ایجاد بعضی از امراض جسمی و روانی نقش‌آفرین بوده، در بروز اضطراب، آشفتگی روانی، ترس، هیجانات روانی موثرند. همچنین بی‌توجهی به طهارت، سرپیچی از دستورات دینیِ خوردن و آشامیدن، نادیده گرفتن موازین اسلامی در کسب حلال و ... در بروز ناهنجاریهای روانی اثر دارند. از سوی دیگر برخی از آیات و روایات به ژنتیکی شدن بعضی از امراض جسمی و روانی صحه گذارده، گناه به عنوان عنصر نامطلوب روانی، زندگی فرد و خانواده را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. قسی‌القلب شدن بر اثر گناهان، نه تنها اطرافیان را می‌آزارد، بلکه فرد نیز دست خوش پیامد آن شده، خوی پرخاشگری و قساوت قلب پدر یا مادر، به فرزندان سرایت می‌کند و یا اگر فرزند ناخلفی از پدر فاسدی در جامعه مشاهده شد، امری دور از انتظار نیست که این خود نشان از انتقال صفت به نسل بعدی بوده و فرضیه موروثی شدن صفاتی که بواسطه گناه ایجاد شده و به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود، را تقویت می‌کند. اما علوم آکادمیک تاکنون به نقش معصیت در ایجاد اختلال ژنتیکی و تغییرات آن دست نیافته و نیل به این مهم که تا چه حد بیماری‌های ناشی از گناهان، در گنجینه ژنتیک انسان، تاثیر گذارده، به عنوان صفت ژنتیکی به ارث می‌رسند، محتاج فعالیت‌های بیشتری است، تا کلام وحی با عقل ناقص بشری مطابقت نماید و فرضیه تاثیر گناه بر ایجاد اختلال ژنتیکی به اثبات رسد. اگرچه تاثیر آن بر تغییرات ژنتیکی به لحاظ اجتماعی، تا حدودی مورد تایید است؛ بطوریکه تغییرات ژنتیکی حاصل از عدم کنترل عوامل آلوده کننده هوا که مصداق گناه تعرض به حقوق عامه بوده و حق‌الناس محسوب می‌شود (۵۳) و یا ترویج استفاده از مواد دخانی و تاثیرات ژنتیکی آن (۶۲) و همچنین استفاده از مشروبات الکلی خصوصا در زنان باردار و تغییرات ژنتیکی در فرزندان، و یا تاثیرات نابهنجار بمب‌های شیمیایی و میکروبی در جنگ‌ها بر افراد جامعه و تغییرات ژنتیکی دردناک، در گنجینه توارث نسل‌های آینده آنان، از این موارد به حساب می‌آیند (۶۳).

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-10-13]

[DOI: 10.30491/JSH.4.1.589]

تضاد منافع: نویسنده تصریح می‌کند که هیچ‌گونه تضاد منافعی در مطالعه حاضر وجود ندارد.

منابع

1. Majlesi MB. Behar-al-anwar (The seas of lights). 3th ed. Tehran: Dar-ol-Kotob Al-Islamiyah; 1995. [In Arabic]
2. Al-nusbam R. Genetics in medicine thamson. 9th ed. Tehran: Baraye Farad; 2024. [In Persian]
3. Basiri HR, Gohari M, Akrami SM. Consanguineous marriage from the perspective of medical genetics, the Quran and the Infallibles' traditions. Journal of Quranic Theological Exegesis. 2014;1(4):523-42. [In Persian]
4. Shafiee Mazandarani M. Islam and genetic diseases. Journal of Hayat. 1991;1(1):28-30. [In Persian]
5. Malakzadeh Z, Ahmadi NA, Nasr V. Investigate the effect of alcohol on the human body from the perspective of verses of the Holy Quran, Hadith and Traditional medicine. Journal of Research on Religion and Health. 2017;3(1):102-20.
6. Arami M. The effect of outward purity on the human soul and body. 2017. Available from: https://kayhan.ir/000QON
7. Goli M, Nikonejad Z, Qorbanzadeh A. Training functions of lawful aliment and its role on mental health in view of Quran and narratives. Teb va Tazkiye. 2014;23(3,4):67-78. [In Persian]
8. Shirafkan N. The influence of heredity and genetics on upbringing. Spiritual Research. 2017. [In Persian]
9. Khodakarami B. The effect of spiritual counseling on depression, anxiety and stress of pregnant Women: a randomized clinical trial. Avicenna Journal of Nursing and Midwifery Care. 2015;23(4):39-53.
10. Darvish H, Ghasemi Firouzabadi S, Bahrami Monajemi GR, Bahman I, Mohseni M, Soltani Banavandi MJ, et al. Genetic Causes of Mental Retardation in Golestan Province. Journal of Rehabilitation. 2010;11(3):25-32.
11. Ahmadpour F, Akbariqomi M, Khafaei M, Shamsi Gooshki H, Khoshmohabbat H, Badri T, et al. Relationship between Genetic and Spiritual Health and its Role in Health. Journal of Spiritual Health. 2022;1(1):29-37.
12. Mehdizadeh Fanid L, Adampurzare M, HosseinpourFeizi MA. The Association of DRD2 Gene TaqI Polymorphism with Attention Deficit Hyperactivity Disorder a Population Sample of Iranian Azeri-children. International Journal of Pediatrics. 2016;4(5):1803-7.
13. Farnam A, Kia S, Khalili E. Analysis of the spiritual, psychological, physical and social impacts and consequences of sin on the health of the body and the spirit from the perspective of the Qur'an and Narrations. Quran and Medicine. 2019;4(2):101-9.
14. The effect of sin in causing disruptions in the body's humors and physical and mental illnesses. Available from: https://www.migna.ir/news/3337 [In Persian]
15. Jahanian R, Alizadeh M. Principles and foundations of organization in Islamic governance and management. Journal of New Research Approaches in Management Science. 2019;2(15): 71-87. [In Persian]
16. Nolen-Hoeksema S, Loftus G, Wagenaar W. Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology. Boston; Cengage Learning. 2009. pp. 496.
17. Afshar I, Daneshpajouh MT, Jorjani I. Zaxirih-e- Xarazm- Shahi. Tehran: Publication of Almaei; 2011. pp. 42. [In Persian]
18. Nolen-Hoeksema S, Loftus G, Wagenaar W. Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology. Boston; Cengage Learning; 2009. pp. 497.
19. Afshar I, Daneshpajouh MT, Jorjani I. Zaxirih-e- Xarazm- Shahi. Tehran: Publication of Almaei; 2011. pp. 5. [In Persian]
20. Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an (Tafsir Al-Qurtubi). Bairut: Dar-ol-Fekr; 1997. pp. 227. [In Arabic]
21. Shaykh Mufid. Al-Amali. 7th ed. Qom: Jameeh Maodarresin; 2002. pp. 237. [In Arabic]
22. Koleini M. Al-Osul Al-Kafi. 4th ed. Tehran: Dar ol-Kotob al-Islamiyah; 1986. pp. 272. [In Arabic]
23. Nikzad A. Factors and obstacles in soul health from Islam view. Islam and Health Journal. 2015;2(2):7-15. [In Persian]
24. Khodakarami B. The effect of spiritual counseling on depression, anxiety and stress of pregnant Women: a randomized clinical trial. Avicenna Journal of Nursing and Midwifery Care. 2015;23(4):39-53.
25. Farnam A, Kia S, Khalili E. Analysis of the spiritual, psychological, physical and social impacts and consequences of sin on the health of the body and the spirit from the perspective of the Qur'an and Narrations. Quran and Medicine. 2019;4(2):101-9.
26. Nolen-Hoeksema S, Loftus G, Wagenaar W. Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology. Boston; Cengage Learning; 2009. pp. 502.
27. Afshar I, Daneshpajouh MT, Jorjani I. Zaxirih-e- Xarazm- Shahi. Tehran: Publication of Almaei; 2011. pp. 53. [In Persian]
28. Majlesi MB. Behar al-Anwar (Seas of Lights). 3th ed. Tehran: Dar-al-Kotob al-Islamiyah; 1995. [In Arabic]
29. Tabatabaei SMH. Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. 3th ed. Mousavi Hamedani MB, translator. Qom: Islamic Publications Office; 1995. pp. 398. [In Persian]
30. Zarsazan A. Qalb dar Quran. Tehran: Ministry of Health; 2007. pp. 43. [In Persian]
31. Al-Amedi al-Tamimi A. Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim. Bairut: Al-alam; 1987. pp. 67. [In Arabic]

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-10-13]

[DOI: 10.30491/JSH.4.1.589]

32. Makarem shirazi N. Tafsir-e Nemooneh. Thehran: Dar-Al-kotob Al-Islamyieh; 1995. [In Persian]
33. Barqi A. al-Mahasin al-Barqi. Qom: Ahlalbayt; 2013. pp. 563. [In Arabic]
34. Eftekharian SJ. the Quran and current sciences (Quran wa olume rouz). Tehran: Eftekharian's Publication; 1983. [In Persian]
35. John DT, Petri WA. Markell & Voge's Medical Parasitology EBook-10th Sea Ed. Elsevier (Singapore) Pte Limited; 2020.
36. Ravandi Q, bin Hibatullah S. Fiqh al-Quran. Two volumes). Second edition. Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. 1985. [In Arabic]
37. Harrani I. Tuhaf al-Uqul. 3th ed. Qom: saduq; 1997. [In Persian]
38. Hojjati Kermani A. Social disasters of our century. Tehran: Tabatabaii Publication; 1965. [In Persian]
39. Helli R (Ibn-e-tawous). Iqbal al-amal. 1th ed. Qom: bostan ketab; 1997. pp. 63. [In Arabic]
40. Koleini M. Al-Osul Al-Kafi. 4th ed. Tehran: Dar ol-Kotob al-Islamiyah; 1986. pp. 353. [In Arabic]
41. Al-Amedi al-Tamimi A. Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim. Bairut: Al-alam; 1987. pp. 405. [In Arabic]
42. Tabari M. Bisharat al-Muṣṭafa li Shīʿat al-Murtaḍa. 2th ed. Najaf: Al-Maktaba Al-Haydariyyah; 2013.
43. Motahhari M. Majmoe Asar (Collection of Works). Qom: Sadra Publications; 2006. [In Persian]
44. Zaino-din ibn ali. Munyatul Murid. Qom; Maktab Alam-Ol-Islami; 1988. [In Arabic]
45. Farajzadeh Alan D, Darkhi H, Sadeqi Hasanabadi H, Saberi Isfeedvajani M, Heydari M. The study of male students of Iran University of Medical Sciences (IUMS), attitude to 'Halal'and 'Haram'situational effects. Teb va Tazkiye. 2014; 22(4):17-26.
46. Faiz M. Al-Mahajjat al-bayda. 3th ed. Bairut: Dar-Ol-Ehya; 1993. [In Arabic]
47. Amir sadeqi N. Medicine and Health from Imam Reza (A.S.). 1th ed. Tehran: Meraj Publishing; 2002. [In Persian]
48. Falsafi MT. Philosophical lecture children: their heredity and education. 1th ed. Tehran: Islamic Culture Publishing House; 1999. [In Persian]
49. Belsky J, Fish M, Isabella RA. Continuity and discontinuity in infant negative and positive emotionality: Family antecedents and attachment consequences. Developmental Psychology. 1991; 27(3):421.
50. Alimardani A, Rayejian Asli M, Vahedi M, Khani M. The Influence of Psychological Disorders on Criminal Behavior and Different Degrees of Criminal Responsibility. Journal of Medical Council of Iran. 2017;35(1):68-78.
51. Nolen-Hoeksema S, Loftus G, Wagenaar W. Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology. Boston; Cengage Learning; 2009. pp. 524.
52. Azimi S. Essentials and general Psychology. 14th ed. Tehran: Saffar Publishing; 1992. [In Persian]
53. Diagnostic and statistical manual of mental disorders. 5th ed. American Psychiatric Association; 2013. pp. 99-105.
54. Nolen-Hoeksema S, Loftus G, Wagenaar W. Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology. Boston; Cengage Learning; 2009. pp. 527.
55. Large M, Sharma S, Compton MT, Slade T, Nielssen O. Cannabis use and earlier onset of psychosis: a systematic meta-analysis. Archives of General Psychiatry. 2011;68(6):555-61.
56. Faraone SV, Kremen WS, Tsuang MT. Genetic transmission of major affective disorders: quantitative models and linkage analyses. Psychological Bulletin. 1990;108(1):109.
57. Gottesman II. Schizophrenia genesis: The origins of madness. WH Freeman/Times Books/ Henry Holt & Co; 1991.
58. Cardiff University O'Donovan Michael C, Kirov George K, Craddock Nick J, Holmans Peter A, Williams Nigel M, Georgieva Lucy, et al. Rare chromosomal deletions and duplications increase risk of schizophrenia. Nature. 2008;455(7210):237-41.
59. Gandal MJ, Haney JR, Parikshak NN, Leppa V, Ramaswami G, Hartl C, Schork AJ, Appadurai V, Buil A, Werge TM, Liu C. Shared molecular neuropathology across major psychiatric disorders parallels polygenic overlap. Science. 2018;359 (6376):693-7.
60. Brainstorm Consortium, Anttila V, Bulik-Sullivan B, Finucane HK, Walters RK, Bras J, et al. Analysis of shared heritability in common disorders of the brain. Science. 2018;360(6395):eaap8757.
61. Mirzaaghaei M, Hadipour M, Rahmani M. Optimization and modification of urban transportation network of Qom with environmental considerations using genetic algorithms and GIS. Environmental Sciences. 2016;14(4):91-104.
62. Shabir O. Effect of tobacco on the immune system. News medical. 2012.
63. Malakzadeh Z, Ahmadi NA, Nasr V. Investigate the effect of alcohol on the human body from the perspective of verses of the Holy Quran, Hadith and Traditional medicine. Journal of Reaserch on Religion and Health. 2017;3(1):102-20. [In Persian]

[Downloaded from spiritual-health.ir on 2026-10-13]

[DOI: 10.30491/JSH.4.1.589]